

بررسی حقوق و تکالیف متقابل همسران از منظر تقلین

نویسنده:

حسین رزاقی^۱

زیتون بی بی^۲

^۱ کارشناس پژوهش المصطفی واحد آشتیان
^۲ دانش پژوه المصطفی-نور الهدی آشتیان

چکیده

در این پژوهش حقوق و تکالیف مادی و معنوی همسران نسبت به هم از منظر ثقلین مورد بررسی و تحقیق قرار گرفته است. در اول کلمات کلیدی پژوهش یعنی حق، مادی، معنوی، ثقلین مفهوم شناسی شده اند. سخن درباره حقی است که ملازم با تکلیف است در بخش دوم درباره حقوق معنوی متقابل زن و مرد سخن میان آمده است که مطالب مرتبط با این بخش، تحت عنوان پذیرش نقش آرامش بخشی، پذیرش مدیریت مردان و معاونت زنان در نهاد خانواده، سرپرستی، مسئولیت پذیری، رفق و مدارا، درک همدیگر و مانند آن بررسی شده است و در بخش پایانی، در تحقیق حاضر حقوق و تکالیف مادی همسران نسبت به هم از منظر ثقلین مورد بررسی قرار گرفته است این فصل حقوق مادی همدیگر سخن میان آمده است و مطالب مرتبط با عنوان مختصر آمده است یعنی حقوق مشترک زوج ها حقوق اختصاصی زن بر مرد و حقوق اختصاصی مرد به زن ذکر شده است.

کلید واژه: حقوق، همسران، معنوی، مادی، ثقلین

مقدمه

یکی از مهم ترین مهارتی که زن و شوهر در اول زندگی، به آن نیازمند هستند، دانستن حقوق و وظایف خود نسبت به یکدیگر است. چرا که زوجین با خود، موجب به وجود آمدن انجام وظیفه همسررداری صمیمیت بین خود می شوند و از بودن در کنار هم لذت می برد. گاهی در زندگی زناشویی اتفاق می افتد که زوجین بخاطر عدم آگاهی نسبت به وظایف خود دچار اختلافات و دلخوری ها می شوند. زن و شوهر باید در شروع زندگی، فنون همسررداری را بیاموزند تا زندگی موفقیت آمیزی داشته باشند

بنیان ازدواج، محبت است. اگر به فرض، دو نفر در تمامی معیارهای عقلانی با هم یکی باشند، اما به هر دلیلی یکدیگر را دوست نداشته باشند، نمی توانند با هم زندگی خوبی را آغاز کنند. محبت بین زن و شوهر و ابراز آن و توجه آن ها به یکدیگر عصاره بسیاری از اخلاقیاتی است که در بین آنها رعایت شود. وجود محبت در زندگی مشترک ریشه حضور وفق و مدارا، خوش خلقی، نگاه مسرورانه، همراهی در غم و شادی، به دوش کشیدن مشترک سختی و رنج است و زمینه گذشت و بخشش از خطاها و دوری از عیب جوئی و سرزنش و پذیرش، عذرخواهی است.

در این تحقیق به بررسی حقوق و تکالیف متقابل همسران پرداخته می شود. که بخشی از نوشته حاضر مرتبط با حقوق معنوی است و برخی دیگر مرتبط با حقوق مادی است.

بررسی لغوی واژه حق

برای ریشه حق دو معنای اصلی ذکر شده است یکی استحکام و استوار چنان که ثوب محقق به معنای لباس یا پارچه ای بافت محکم است و دیگر موافقت و مطابقت چنان که به حفره ای که بشکنه در آن قرار می گیرد و می چرخد حق الباب و به محل اتصال دو استخوان حق می گویند^۳

حق از نظر اصطلاح

این واژه معانی گونا گونی دارد که در همه ی معانی لغوی و اصطلاحی آن یک نحو ثبوت ملحوظ است خواه ثبوت تکوینی و حقیقی باشد و خواه ثبوت قراردادی و اعتباری. در اینجا فقط به معنای مصطلح آن در حقوق می پردازیم معنایی که از این کلمه در قلمرو حقوق استفاده می شود مفهومی است اعتباری هنگامی که می گوئیم

³ این فارس معجم مقاليس اللغة ذیل واژه حق، قول نقل از سایت ویکی فقه

حق خیار یا حق شفعه یا حق مرد بر زن یا حق زن بر مرد همین مفهوم اعتباری را در نظر داریم. اعتباری بودن این مفهومی به این معنی است که به هیچ وجه ما بازاء عینی خارجی ندارد و تنها با ارتباط با افعال اختیاری انسان ها مطرح می شود. انسان های آزاد و صاحب اختیار یک دسته کارها را باید انجام دهند و دسته دیگر کارها باید بپرهیزند بر محور همین بایدها و نبایدهای حاکم بر رفتار آدمیان مفاهیمی از قبیل حق و تکلیف زاده می شوند حق امری است اعتباری که برای کسی (له) و برای کسی (علیه) وضع می شود⁴

واژه ثقلین

در لغت معنا ثقلین ثقل به معنای بار ثقل به معنا سنگینی و ثقل به معنا شی ارزشمند است از این رو ثقلین را دو شیء گرانبها و ارزش معنا کنند. واژه در ثقلین در آیه ۳۱ سوره رحمن آمده 7 است و مفسران مراد از آن دو گروه جن و انس دانسته اند در عین حال شماری مراد از ثقلین را قرآن و عترت اهل بیت پیامبر دانسته اند⁵

در اصطلاح

مراد از ثقلین را قرآن و عترت اهل بیت پیامبر دانسته اند⁶

حقوق و تکالیف معنوی همسران نسبت به هم از منظر ثقلین

حقوق همسران گاهی مشترک است و گاهی اختصاصی در ذیل به برخی از حقوق اختصاصی و مشترک خواهیم پرداخت.

حقوق مشترک زن و مرد

برخی حقوق بین زن و مرد مشترک است یعنی هر دو موظف اند این حقوق را رعایت کنند از جمله؛ حق توارث که در قرآن هم آمده: «برای سهم است از آن چه پدر و مادر و خویشاوندان بگذارند و برای زنان سهم

⁴ محمد تقی مصباح یزدی حقوق و سیاست در قرآن ج ۱ انتشارات موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی ۱۳۷۷ ص ۲۴ و ۲۶ <https://narjes.s3.kowsarblog.ir> قول نقل از سایت لغت نامه دهخدا

⁵ این منظور آسان العرب ۱۴۱۴ ق، ج ۱ ص ۸۵، فرشی قاموس قرآن ۱۲ ۱۴ ق، ج ۱ ص ۳۰۷-۳۱۰، قمی تفسیر القمی ۱۴/۵ ق، ج ۲، ص ۳۴۵ بحرانی بهران

⁶ تفسیر القمی ۱۴۰۵ ق ج ۲ ص ۳۴۵. بحرانی البرهان

است از آن چه پدر و مادر و خویشاوندان بگذارند»^۷ حق مالکیت اقتصادی نیز از حقوق مشترک است. «مردان را بهره ای است از آن چه حاصل کرده اند و زنان را بهره ای است از آن چه حاصل کرده اند»^۸.

اولین مسئولیتی که در قانون مدنی متوجه زوجین است، پذیرش حسن معاشرت از سوی طرفین است؛ لذا در ماده این گونه آمده: برطبق این ماده، زن و شوهر مکلف به حسن معاشرت با یکدیگرند. یعنی باید به گونه ای با یکدیگر رفتار کنند که آرامش و مسالمت بر روابط آن ها حاکم و محیط خانواده متشنج نبوده و نزاع در روابط آنان وجود نداشته باشد. تعبیر حسن معاشرت که در آیه ی نوزده سوره ی نساء به عنوان یک وظیفه برای شوهر و به عنوان یک حق برای زن مطرح شده، عامل تحکیم زندگی خانوادگی و دوام و استمرار زندگی است «و با همسران تان با اخلاق نیکو معاشرت کنید

حسن معاشرت

یکی از حقوق و وظایف متقابل و مشترک زوجین حسن معاشرت نسبت به یکدیگر است. در زندگی زناشویی یکی از دستورات اخلاقی که بسیار مورد تأکید قرآن و پیشوایان دین می باشد تا جائیکه این دستور اخلاقی جنبه حقوقی و تکلیفی پیدا نموده همین مسأله حسن معاشرت و خوشرفتاری با یکدیگر است. اهمیت و نقش حیاتی حسن معاشرت در زندگی تا آنجاست که در قانون مدنی ماده آمده زن و شوهر مکلف به حسن معاشرت با یکدیگرند-

حسن معاشرت و دوستی با یکدیگر و گذشت و اغماض از لغزش های یکدیگر را می توان از اصول پیشگیری و بهداشتی زندگی زناشویی دانست که با اجرای درست و دقیق آنها زندگی زن و شوهر را از آلوده شدن به بیماری های « نشوز و شقاق » و از مرگ و انهدام کانون زندگی مشترک یعنی طلاق مصونیت می بخشد-

اینجاست که می بینیم قرآن کریم با بکار بردن کنایات و استعارات زیبا و لطیف این وظیفه اخلاقی مهم را متذکر می شود. در سوره نساء به مردان توصیه می کند که با همسران تان به نیکویی معاشرت کنید « وعاشروهن بالمعروف »^۹ (و با همسران تان با اخلاق نیکو معاشرت کنید) و به دنبال آن اضافه می کند « فإن کرهتموهن فعسی أن تکرهوا شیئا و يجعل الله فیه خیرا کثیرا »^{۱۰} یعنی اگر به جهاتی

⁷ نساء، 7

⁸ نساء، 19

⁹ سوره نساء، آیه: ۱۹

¹⁰

از همسران خود رضایت کامل نداشته باشید و بر اثر اموری آنها در نظر شما ناخوشایند باشند فوراً تصمیم به جدایی و یا بدرفتاری نگیرید و تا آنجا که قدرت دارید مدارا کنید بنابراین تا کارد به استخوان شما نرسد سزاوار است معاشرت به معروف و رفتار شایسته را ترک نکنید. ضمناً باید توجه داشت تعبیر به « خیرا کثیرا » که در آیه به همسرانی که مدارا می کنند نوید داده شده مفهوم وسیعی دارد که یکی از مصادیق روشن آن فرزندان صالح و با لیاقت و ارزشمند است. قرآن کریم در فرازی دیگر از آیات شریفه اش زن و شوهر را به منزله لباس یکدیگر می داند که تعبیر بسیار لطیفی است :

« احل لكم ليله الصيام الرفث إلى نسائكم هن لباس لكم و أتم لباس لهن^{۱۱} ... »
(حلال شد برای شما شب روزه جماع با زنان آن ها لباسند برای شما و شما لباسید برای آنها)
چون هر یک از زن و شوهر دیگری را از عمل نامشروع حفظ کرده و مانع شیوع آن بین افراد نوع می شود گویا پوشاکی است که عورت و زشتیهای او را می پوشاند و این تعبیر خود استعاره لطیفی است و انضمام جمله اول (احل لكم) بر لطف آن می افزاید زیرا عورت انسان بوسیله لباس از دیگران پوشیده می شود ولی از خود لباس مستور نمی گردد همچنین هر کدام از زن و شوهر دیگری را از آمیزش با دیگران نگاه می دارد ولی مانع از آمیزش با خودش نمی شود چون لباس اوست و به تنش چسبیده است^{۱۲} . بنابراین حسن معاشرت حق و و وظیفه طرفین است. اسلام به احسان به خانواده دعوت می کند و هر چه را به بنیان خانواده زیان برساند حرام می کند. خداوند می فرماید : « و عاشروهن بالمعروف^{۱۳} »

محبت به همدیگر

انسانها دارای عاطفی فراوانی دارند که نیاز به محبت، یکی از اساسی ترین آنهاست. هر یک از زن و شوهر دوست دارند مورد محبت دیگری قرار گیرد و هم اینکه نسبت به دیگری ابراز علاقه کنند. زندگی بدون محبت جاذبه ندارد و اغلب انسانها از آن گریزانند. رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: « سخن مرد به همسرش که تو را دوست دارم، هرگز از قلبش بیرون نخواهد رفت»^{۱۴}.

^{۱۱} سوره بقره آیه: ۱۸۷

^{۱۲}

^{۱۳} قول نقل از سایت ، Islamquest ،

^{۱۴} و مسائل شیعه حر عاملی ج ۲۰ ص ۲۳ موسسه ال بیت ، قول نقل از سایت ویکی پرسش

اصل مهر و محبت و علاقه همسران را خداوند متعال، در وجود زوجین قرار داده است. بدیهی است مهر و محبتی دارای ارزش است که در مسیر الهی و مطابق با دستورات شرع باشد و گرنه، چه بسا مهر و محبتی که هیچ ثمره معنوی نداشته باشد و حتی باعث سقوط فرد به ورطه نابودی شود.^{۱۵}

گذشت و بخشش

گذشت و اغماض هر یک از زن و شوهر از لغزش‌ها و کارهای ناپسند دیگری در محیط خانواده از اهمیت فراوانی برخوردار است و بی‌توجهی به آن، جو صمیمیت و آسایش حاکم بر خانواده را به محیط اضطراب، بد بینی عصبانیت بد عیب جویی و مستمر هر یک از اعضاء نسبت به دیگری تبدیل خواهد کرد. ایجاد آرامش روحی، زدودن کینه، فرونی عزت، طول و عمر یو... آثاری است که روایات، آن‌ها را بر گذشت و بخشش مترتب دانسته‌اند. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «سه چیز از بزرگواری‌های دنیا و آخرت است: از کسی که به تو ظلم کرده در گذری، و یا به کسی که از تو بریده، بیبندی، و نسبت به کسی -^{۱۶}

انسان مختار آفریده شده است، و حق انتخاب دارد و ممکن است در برخی از انتخاب‌ها دچار اشتباه شده و از مسیر اصلی خارج گردد. و این مسئله برای زن و مرد هر دو یکسان است. و در این مواقع توصیه به عفو و گذشت تا آن جا اهمیت دارد که قرآن کریم عفو و گذشت را از موارد احسان می‌داند. «والعافین عن الناس و الله یحب المحسنین»^{۱۷}

رفق و مدارا

یکی دیگر از وظائف متقابل همسران نسبت به یکدیگر رفق و مدارا است. بدین معنا که در مقابل عیب‌ها و کاستی‌های همسر و رفتار ناخوشایند او برخورد تند و خویی نداشته باشیم و با صمیمیت و دوستی با یکدیگر رفتار کنیم. زیرا طبیعی است که هر یک از زن و مرد در رفتار و گفتار خود کاستی‌هایی دارند که از نظر دیگری ناخوشایند تلقی می‌شود. البته معنای مدارا با همسر این نیست که نسبت به عیب‌ها و رفتار ناپسند او بی‌اعتنا باشیم، بلکه بدین معناست که در مورد اصلاح همسر ملاحظه ظرفیت او را کرده، بیش از توانش از او انتظار نداشته باشیم. و به طور کلی در مورد ویژگی‌های نامطلوب او رفتاری بزرگوارانه پیشه کنیم.^{۱۸} هر یک از زن و

¹⁵ قول نقل از سایت، <https://w.w.w.islahweb.rog>

¹⁶ - اخلاق خانواده سید علیرضا فاخر و محمد حسین منتظری نمایندگی ولی فقیه در سپاه ۱۳۷۸ ص ۵۷ قول نقل از سایت ویکی پرسش ،

¹⁷ قول نقل از سایت، <https://w.w.w.islahweb.rog>

¹⁸ قول نقل از سایت ویکی پرسش

مرد باید وظایف و تکالیف خود را انجام دهد و برای دیگری ایجاد مزاحمت ننماید. در هر حال مدارا با همسر موجب می‌شود تا زندگی با صفا و به دور از تنش گردد-^{۱۹}

درک همدیگر

ریشه بسیاری از اختلافات خانوادگی در عدم درک متقابل همسران از یکدیگر نهفته شده است. درک موقعیت و مشکلات همسر موجب می‌شود که انسان به نیکی‌های همسر توجه بیشتری کرده، قدر دان زحمات او باشد. برعکس کسی که همسر خود را درک نمی‌کند، تمام تلاش‌های او را نادیده می‌گیرد و عیب‌ها و کاستی‌های همسر در نظرش بسیار جلوه می‌کند و نه تنها قدردان و مشرق همسرش نیست، بلکه با زخم زبان‌ها ی خود، نشاط زندگی را از او سلب می‌کند. رها شدن از خودبینی و شناخت روحیات و مشکلات همسر و اولین قدم‌های درک همسر است-^{۲۰}

پذیرش مدیریت مردان و معاونت زنان در نهاد خانواده

بخشیدن آن جایگاه اجتماعی به زنان، که در مؤسسه‌ی خانواده نقش معاونت در مدیریت مردان را دارا می‌باشند.

«الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاصْرَبُوهُنَّ فَإِنِ اطَّعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلاً إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيماً كَبِيراً»^{۲۱}

«مردان بر زنان سرپرستند (و در جامعه‌ی کوچک خانواده، حق رهبری دارند و صیانت و رعایت زنان بر عهده ایشان است) بدان خاطر که خداوند (برای نظام اجتماع، مردان را بر زنان در برخی از صفات برتری‌هایی بخشیده است و) بعضی را بر بعضی فضیلت داده است، و نیز بدان خاطر که (معمولاً مردان رنج می‌کشند و پول به دست می‌آورند و) از اموال خود (برای خانواده) خرج می‌کنند. پس زنان صالحه آنانی هستند که فرمانبردار (اوامر خدا و مطیع دستور شوهران خود) بوده (و خویشان را از زنا به دور و اموال شوهران را از تبذیر محفوظ) و آسرار (زناشوئی) را نگاه می‌دارند؛ چرا که خداوند به حفظ (آنها) دستور داده است. (زنان صالح چنین بودند ولیکن زنان ناصالح آنانی هستند که سرکش می‌باشند) و زنانی را که از سرکشی و سرپیچی ایشان بیم دارید، پند و اندرزشان دهید و (اگر مؤثر واقع نشد) از همبستری با آنان خودداری کنید و بستر خویش را

¹⁹ قول نقل از سایت <https://www.islahweb.rog>

²⁰ قول نقل از سایت ویکی پرسش، اطلاع رسانی اصلاح

²¹ النساء آیه ۳۴

جدا کنید (و با ایشان سخن نگوئید. و اگر باز هم مؤثر واقع نشد و راهی جز شدت عمل نبود) آنان را (تنبيه کنید و کتک مناسبی) بزنید. پس اگر از شما اطاعت کردند (ترتیب تنبيه سه‌گانه را مراعات دارید و از اخفّ به اشدّ نروید و جز این) راهی برای (تنبيه) ایشان نجوئید (و نپوئید و بدانید که) بیگمان خداوند بلندمرتبه و بزرگ است (و اگر ایشان را بیش از حدّ اذیت و آزار کنید، انتقام آنان را از شما می‌گیرد).^{۲۲}

حقوق اختصاصی مرد

تأمین نیازهای جنسی، یکی از فلسفه‌های ازدواج است و برای حفظ عفت و پاک دامن‌ی و اصالت خانواده، شرع مقدس، تمکین کردن را از وظایف شرعی و قانونی زن و از حقوق مرد بیان کرد. خداوند در قرآن می‌فرماید: «زنان شما کشت زار شمايند پس بيايد کشت زار خود را هر جا خواسته باشيد»^{۲۳} و تأمین صحیح این مسئله می‌تواند یکی از علل رضایت مندی زوجین در زندگی مشترک باشد. بررسی‌ها نشان می‌دهد، رضایت‌مندی خانوادگی با رضایت‌مندی جنسی رابطه دارد؛؛ زوج‌های خرسند نسبت به زن و شوهرهای ناخرسند از زندگی جنسی خود خشنودترند.^{۲۴}

از دیگر حقوق مرد این است که همسرش بدون اجازه ی او از منزل خارج نشود. از امام باقر(علیه السلام) به نقل از رسول خدا(صلی الله علیه و آله) درباره ی این حق شوهر بر زن خود می‌فرماید: «زن از منزلش بدون اجازه ی شوهرش خارج نمی‌شود»^{۲۵}

امانت داری از اموال شوهر در غیاب مرد و حفظ عفت از دیگر وظایف زن است که پیغمبر اسلام(صلی الله علیه و آله) فرمود: «زن نگهبان و امانت دار اموال شوهرش است و در این باره مسئولیت دارد»^{۲۶}

حقوق اختصاصی زن بر مرد

جدای از حقوق مشترک زوجین حقوق خاصی نیز برای زن و مرد وجود دارد که برای هر یک امتیازی است مهریه از جمله حقوق اختصاصی زن و رعایت آن بر مرد واجب است در واقع اولین و حقی که زن بر مرد دارد حق گرفتن مهریه است مهریه یعنی کابین صداق پول یا چیز دیگر که هنگام عقد بر ذمه ی مرد مقرر می‌شود^{۲۷}

²² قول نقل از محمد احمدیان

²³ بقره، 223

²⁴ حیدری، 145

²⁵ حر عاملی، ج 20، ص 158

²⁶ طبرسی، ج 2، ص 5 قول نقل از سایت، <https://hawzah.net/magazine>....

²⁷ عمید ۱۳۶۱، ۱۱۸۱

(قرآن نیز در چندین مورد از این حق زنان سخن به میان آورده و درباره ی مهریه ی زنان سفارش های تاکیدی کرده بلکه از لغات معادل آن استفاده شده است مانند آیه ی وَاَتَوَالنِّسَاءَ صَدَقَاتِهِنَّ نَحْلُهُ^{۲۸} که واژه ی صداق و نحله از این آیه اخذ شده است یا وَاَنْ طَلَّقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ اَنْ تَمْسُوهُنَّ^{۲۹}

به هر صورت مهریه یک پشتوانه ی اجتماعی و اقتصادی برای زن است زیرا در صورت جدایی لطماتی که بر مرد وارد می شود از نظر روحی اجتماعی و مالی کم تر از زن است مرد با استعداد و توان بدنی خود در جامعه بهتر می تواند به کار و تلاش پردازد و مهریه کمکی است به زن در تأمین معاش و حافظ عفت و احترام اوست از آن گذشته امکان تشکیل زندگی مجدد برای مرد بیش تر فراهم است تا زن مطلقه پس مهریه در واقع خسارت ها و لطمه هایی را بر زن وارد می شود تا حد کمی جبران می کند در تفسیر مجمع البیان نیز شده است مهر زنان را که بخشش از جانب خداوند است به آن ها بدهید. بدیهی است که زن و مرد، هر دو از یک دیگر تمتع می برند و زن در برابر تمتعی که به شوهر می رساند، خود نیز تمتع می شود؛ بنابراین حق مهریه ندارد؛ لیکن خداوند متعال مهر را برای زن قرار داد تا از این عطیه ی الهی برخوردار شود.^{۳۰}

نفقه یکی دیگر از حقوق اختصاصی زن بر مرد است. از نظر اسلام، تأمین هزینه ی خانواده، از جمله مخارج شخصی زن بر عهده ی مرد است و زن از این نظر هیچ گونه مسئولیتی ندارد؛ البته تأمین هزینه های شخصی زن توسط شوهر، اختصاص به موردی ندارد که زن از تأمین آن عاجز باشد، بلکه حتی اگر وی دارای ثروت کلانی هم باشد، الزامی ندارد که از اموال شخصی خود مخارج و مایحتاج خود را تأمین کند. در واقع، وجود نفقه از مسلمات حقوق اسلامی است و این از آیات قرآن استنباط می شود: «و علی المولود له رزقهن و کسوتهن بالمعروف^{۳۱} و نیز می فرماید: «فإن أرضعن لكم فأتوهن أجورهن^{۳۲}

مهمترین حقوق مادی زن بر شوهر

۱- مهریه

مهریه مالی است که به محض عقد و معاشرت برعهده مرد قرار می‌گردد و زن استحقاق آن را پیدا می‌نماید. هم‌چنان که گفته شد پس

28 نساء آیه ی ۴

29 بقره آیه ی ۲۳۷

30 - طبرسی، ج 3، ص 25

31 - بقره، آیه ی 233

32 - طلاق، آیه ی 6

از عقد صحیح مهریه بر شوهر و برای زن واجب می‌شود؛ زیرا خداوند متعال می‌فرماید: «با طیب خاطر مهریه‌هایشان را به آنان بدهید». هم‌چنین فرموده است:^{۳۳}

«اگر با زنی ازدواج کردید و با او همبستر شدید مهریه‌اش را (به طور کامل) بپردازید و این فریضه‌ای (خدایی) است». هدف از مهریه اظهار اهمیت عقد، ازدواج، اکرام و احترام به شخصیت زن و اظهار حسن نیت و صداقت مرد برای ازدواج با او و زمینه‌ای برای دوام معاشرت و زندگی زناشویی است و علت این‌که مرد باید متعه پرداخت مهریه بشود این است که معمولاً مردها با توجه به کار و تجارت و درآمد حاصل از آن توانایی مالی‌شان بیشتر از زنان است و معمولاً زنان در صورت جدایی یا فوت همسر بیشتر به توشه و سرمایه مادی احتیاج پیدا می‌کنند. زیرا خداوند متعال فرموده‌اند:^{۳۴}

مردان (مسئولیت) سرپرستی و خدمت زنان را برعهده دارند؛ زیرا خداوند برخی را خاطر توانایی‌های جسمی و ارادی) بر برخی دیگر برتری بخشیده و نیز به این دلیل که (معمولاً مردان) از اموال خود (برای خانواده) هزینه می‌نمایند». اینک در غرب زنان باید مهریه را پرداخت کنند درست عکس فطرت بشری و توهین به شخصیت و کرامت زن و بهره‌کشی از اوست؛ زیرا زن مجبور است که مدت‌های زیادی را برای جمع‌آوری مهریه به کار و تلاش بپردازد و چنانچه موفق به این کار نشود ممکن است دچار انحراف و بردگی جنسی بشود.

حق ارث

موضوع ارث زوجه با توجه به حاین از حقوق مالی بعد از فوت زوج است از محل بحث این تحقیق خارج است؛ مگر در دو مورد زیر :

۱- قانون مدنی مقرر می‌دارد: «اگر شوهر زن خود را به طلاق رجعی مطلقه کند، هر یک از آنها که قبل از انقضای عده بمیرد، دیگری از او ارث می‌برد. لیکن اگر فوت یکی از آنها بعد از انقضای عده بوده و یا طلاق بائن باشد از یکدیگر ارث نمی‌برند».

۲- قانون مدنی مقرر می‌دارد: «اگر شوهر در حال مرض، زن خود را طلاق دهد و در ظرف یکسال از تاریخ طلاق، به همان مرض بمیرد، زوجه از او ارث می‌برد، اگر چه طلاق بائن باشد، مشروط بر اینکه زن شوهر نکرده

باشد^{۳۵}

^{۳۳} (النساء / ۲۴)

^{۳۴} (النساء / ۳۴)

^{۳۵} قول نقل از سایت [Hattp//ensani.ir](http://ensani.ir) ، نویسندگان عباس جعفری

قرآن در چگونگی جق ارث شوهر می‌فرماید: مرد نیمی از اموال همسرش را در صورتی که همسرش فرزند نداشته باشد، به ارث می‌برد؛ ولی اگر فرزند داشته باشد، (هرچند از شوهر دیگر) شوهر، فقط یک چهارم می‌برد: «وَلَكُمْ نِصْفُ مَا تَرَكَ أَزْوَاجُكُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُنَّ وَلَدٌ فَإِنْ كَانَ لَهُنَّ وَلَدٌ فَلَكُمْ الرُّبْعُ مِمَّا تَرَكَ...»^{۳۶}

؛ البته این تقسیم پس از پرداخت بدهی‌ها و وصیت مالی همسر است: «مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِيَنَّ بِهَا أَوْ دَيْنٍ». و زن، یک چهارم مال شوهر را ارث می‌برد؛ ولی اگر شوهر، فرزند داشته باشد (هرچند از زن دیگر)، در این صورت، زن، یک هشتم ارث می‌برد: «وَلَهُنَّ الرُّبْعُ مِمَّا تَرَكَتُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ وَلَدٌ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ وَلَدٌ فَلَهُنَّ الثُّمْنُ مِمَّا تَرَكَتُمْ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ تُوصُونَ بِهَا أَوْ دَيْنٍ». سهمی که برای زن تعیین شده (یک چهارم یا یک هشتم) به یک همسر اختصاص ندارد؛ بلکه اگر مرد، همسران متعدّد نیز داشته باشد، سهم مذکور به‌طور مساوی بین آن‌ها تقسیم خواهد شد.³⁷

نَفَقَه

نفقه از جمله حق و حقوق زن است که بیشتر از سایر حقوق مورد توجه قرار گرفته و به زوجه پرداخت می‌شود. نفقه عبارت است از مایحتاج زوجه مانند خوراک، پوشاک، مسکن، امور درمانی، بهداشتی، آرایشی و خدمتکار در صورت نیاز و یا عادت که از جانب زوج باید تأمین شود. البته میزان آن بستگی به شرایط زندگی و شأن و منزلت زوجه دارد. پرداخت نفقه مشروط به تمکین زوجه نسبت به زوج می‌باشد و در غیر این صورت زن ناشزه محسوب شده و مستحق دریافت نفقه نخواهد بود. اما مهریه از جمله حقوق مالی زن در زندگی مشترک است که هیچ محدودیت و شرطی جهت استقرار آن برای زوجه نیست و باید در هر شرایطی به وی پرداخت شود جز این که زن به محض انعقاد نکاح، مستحق نیمی از مهر و پس از مقاربت مستحق نیم دیگر آن می‌شود. قابل ذکر است که حتی اگر زوجه شاغل باشد و حقوق دریافت کند و یا دارای مال و اموالی باشد این امر دلیل بر عدم پرداخت نفقه به وی نمی‌شود و زن اجباری به پرداخت هزینه‌های خود از محل درآمد یا اموالش پس از ازدواج ندارد. نفقه را می‌توان به دو دسته نفقه ایام گذشته و نفقه حال تقسیم کرد، زوجه می‌تواند نسبت به نفقه ایام گذشته خود نیز اقدام کرده و آن را مطالبه نماید اما اولاد و یا والدین نمی‌توانند نفقه ایام گذشته خود را مطالبه نمایند. در زمان طلاق رجعی که زوجه باید عده بگذراند نیز نفقه ایام عده به وی تعلق می‌گیرد و در این ایام تمام حقوق مالی زن برقرار خواهد بود. همچنین اگر زوجه در هنگام طلاق باردار

³⁶ نساء سوره 4 آیه ۱۲
³⁷ مفتاح الکرامه ج ۱۷ ص ۲۹۳

باشد تا زمان وضع حمل مستحق دریافت نفقه خواهد بود. باید اشاره کنیم که نفقه از دو جهت حقوقی و کیفری قابل مطالبه است. در ازدواج موقت، نفقه به زوجه تعلق نمی‌گیرد اما اگر زوجین نفقه را به عنوان شرط ضمن عقد قید کرده باشند، قابل مطالبه خواهد بود.

نتیجه گیری

مباحثی که در نوشته حاضر به آنها پرداخته شد و نتایجی که از این مقاله عاید ما می گردد به شرح ذیل می باشد: هر یک از مرد و زن نسبت به یکدیگر وظایف خود را بدانند و به خوبی و بدون چون و چرا، آن وظایف را رعایت نمایند. زن کانون مهر و محبت است و بهترین کلید همسر داری را محبت می داند.

کسی می تواند در زندگی خود موفق شود که خوی نرم و انعطاف پذیری داشته باشد. مردان باید از زنان نامحرم چشم پپوشند و جز به همسر خویش، به دیگری نظر نیفکنند. هر مرد و زنی ویژگی خاص خود را دارد و در قابلیت ها و توانایی ها به هیچ وجه نمی توان مرد یا زن خود را با مرد یا زن دیگر مقایسه نمود. قدردانی و تشکر از زحمات همسر، او را برای کارهای بهتر خانه داری کردن تشویق می کند و نسبت به زندگی دلگرم می شود. سخت گیری و بدگمانی بیش از حد مرد، چه بسا زن با عفت و پاک دامن را به سوی آلودگی می برد. سنگین ترین اعمال که در میزان اعمال قرار می گیرد، حسن خلق است.

فاش کردن راز همدیگر، روابط مرد و زن و بنیان خانواده را تلخ می کند و اعتماد و اطمینان و احترام آنها از بین می رود. زن نمی تواند حق خدا را ادا کند مگر اینکه حق شوهرش را ادا کند. زن و مرد وظیفه دارند نسبت به پدر و مادر و اقوام یکدیگر احترام بگذارند. چه بسا بی توجهی و بی احترامی هر یک نسبت به والدین و بستگان دیگری منشأ اختلاف شوند. عدم درک یکدیگر بدین معناست که زن و شوهر به خوبی از خواسته های مادی و معنوی همدیگر آگاه نمی باشند.

منابع

کتابها

- ۱- قرآن
- ۲- ابن فارس احمد بن فارس معجم مقاییس الغه قم -تهران ۱۴۰۴ق چاپ ۱
- ۳- مصباح یزدی محمد تقی مصباح یزدی حقوق سیاست در قرآن قم انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) ۱۳۹۲ چهارم زمستان ۱۳۹۱ چاپ زلال کوثر
- ۴- محمد معین فرهنگ معین زرین ۱۳۸۶ چاپ ۳
- ۵- ابن منظور محمد بن مکرم لسان العرب بیروت -لبنان چاپ ۱
- ۶- قمی علی بن ابراهیم تفسیر قمی -قم- دارالکتاب ۱۴۰۴ق چاپ سوم
- ۷- قرشی بنایی علی اکبر قاموس قران دارالکتب الاسلامیه تهران ۱۴۱۲ق چاپ ۶
- ۸- تمیمی آمدی عبدالواحد بن محمد غررال حکم ودررالکم . دارالکتاب الاسلامی قم ۱۴۱۰ق چاپ دوم
- ۹- محمد باقر بهبودی محمد باقر بن محمد تقی مجلسی بحار الانوار اسلامیه ۱۳۸۶ق چاپ ۴
- ۱۰- اطبرسی حسن بن فضل مکارم الاخلاق الشریف الرضی قم- ایران ۱۳۷۰ چاپ ۴
- ۱۱- ناصر مکارم شیرازی نهج البلاغه امام علی بن ابیطالب ۱۳۸۶ق چاپ ۳
- ۱۲- دکتر سید حسین صفائی دکتر اسدالله امامی حقوق خانواده میزان ۱۳۹۸ چاپ ۵۲
- ۱۳- محمد باقر مجلسی حلیه المتقین. نایاب / پیش از انق لاب
- ۱۴- نراقی احمد احمد نراقی معراج باسعادت انتشارات هجرت قم ۱۳۷۸ چاپ
- محمد بن حسن حرعاملی وسانل شیعه کتابچی ۱۳۸۶ چاپ ۱۰
- ۱۵- فاخر علی رضا منتظری محمد حسین اخلاق در خانواده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نمایندگی ولی فقیه اداره آموزش های عقیدتی سیاسی تهران -ایران ۱۳۷۸

۱۶ کلینی محمد بن یعقوب محمد بن یعقوب کلینی کافی ، تهران در الکتاب اسلامیه چاپ چهارم ۱۴۰۷ ق

۱۷ طبرسی حسن بن فضل مکارم الاخلاق قم شریف رضی چاپ چهارم ۱۴۱۲ ق

۱۸ من لا یحضر الفقیه قم انتشارات اسلامی چاپ دوم ۱۴۱۳ ق

مقاله

1 محمد احمدیان حقوق معنوی زنان و راه های تحقق آن

۲ مهدی سجادی آمین معنای فقهی تمتع در روایات باب نکاح سال هفتم شماره ۲ ۱۳۲ پاییز و زمستان ۱۳۹۸

3 عباس جعفری بررسی حقوق مالی زوجه در موارد صدر حکم طلاق به در خواست زوج دادرسی ۱۳۸۵

شماره ۵۷

سایت ها

ویکی شیعه

ویکی پرسش آبادیس دهخدا

Islamquest

[Https w.w.w islahweb rog](https://www.islahweb.rog)

[https / hawazah .net magazine](https://hawazah.net/magazine)

[https w.w.w islahweb](https://www.islahweb)

پاشگاه خبر نگاران جوان اطلاع رسانی اصلاح

[https // ensani ir .](https://ensani.ir)

خبر گزار فارس

[https // www farsnews](https://www.farsnews)